

رئیس خشن و ازدواج بد حافظه را از بین می‌برد

گزارش‌های متعدد در حوزه روانشناسی نشان می‌دهند تنش عصبی مداوم می‌تواند توانایی یادگیری در افراد را کاهش دهند...



گزارش‌های متعدد در حوزه روانشناسی نشان می‌دهند تنش عصبی مداوم می‌تواند توانایی یادگیری در افراد را کاهش دهد اما یک مطالعه تازه در علوم عصب پایه می‌گوید تنش مزمن دستگاه ایمنی بدن را تحریک می‌کند و حافظه کسانی که تحت فشارهای عصبی قرار دارند با واکنش دستگاه ایمنی بدن کاهش می‌یابد.

پژوهشگران دانشگاه اوهایو در آمریکا در گزارش تازه خود که در نشریه علوم عصب پایه منتشر شده می‌نویسند قربانیان آزارهای کلامی و قلدری، سربازان و آن‌هایی که با کارفرماهای خشن کار می‌کنند از جمله کسانی محسوب می‌شوند که بطور روزانه و مزمن دچار تنش عصبی هستند و در نتیجه حافظه آن‌ها ناکارآمد می‌شود. گزارش تاکید می‌کند که تنش‌های عصبی مداوم به سازگاری رفتاری افراد می‌انجامد ولی با ایجاد التهاب عصبی به نقص حافظه در آن‌ها ختم می‌شود.

ناکامی اجتماعی تجدید شونده (Repeated Social Defeat- RSD) نامی‌ست که پژوهشگران به فشارهای عصبی طولانی مدت داده‌اند. بررسی آزمایشگاهی و اجتماعی چنین عارضه‌ای باعث شده تا بخش بزرگی از قوانین محیط کار و ارتباط کارفرمایان و کارکنان مورد بازنگری قرار گیرند. علاوه بر این، در مطالعه جنبه‌های مختلف ناکامی اجتماعی تجدید شونده به نقش افراد در روابط خانوادگی نظیر ازدواج و تاثیر فرهنگ جوامع نیز توجه می‌شود. آنچنان که مطالعات نشان می‌دهند یکی از مظاهر ناکامی اجتماعی تجدید شونده در جوامع انسانی پرخاشگری‌ست.

یکی از آزمایش‌هایی که در جریان مطالعه جدید انجام شد وارد کردن یک موش بزرگ و خشن به قفس یک موش کوچک‌تر بود. پژوهشگران می‌گویند تکرار این رویارویی نشان داد موش کوچک‌تر به دلیل تحمل فشار عصبی مداوم ناشی از حضور یک موش خشن قادر به تشخیص سوراخ فرار تعییبه شده در قفس نباشد. موش‌های کوچکی که بطور جداگانه با موش‌های بزرگ روبرو می‌شدند پیش از هم‌قفس شدن با موش‌های بزرگ با گوشه و کنار قفس آشنا بودند و می‌توانستند راه خروج از قفس را بیابند.

پس از پایان آزمایش‌ها بررسی مغز موش‌های کوچک نشان داد بافت‌های مغزی این جانوران دچار تغییر شده و دستگاه ایمنی بدن به سلول‌های عصبی مغز آن‌ها حمله کرده است. نتیجه واکنش دستگاه ایمنی علیه سلول‌های عصبی ایجاد التهاب بافتی در بخش‌های مختلف بافت مغزی موش‌ها بود. نکته قابل توجه این بود که در بافت‌های مغز موش‌های کوچک آثاری از سلول‌های دستگاه ایمنی به نام سلول‌های درشت خوار یا ماکروفاژ وجود داشت.

درشت‌خوارها یا ماکروفاژها دسته‌ای از سلول‌های سفید خون هستند که وظیفه آن‌ها بلعیدن و هضم خرده ریزه‌های سلولی، اجسام خارجی، میکروب‌ها، سلول‌های سرطانی و هر نوع سلول دیگری‌ست که شباهتی با سلول‌های سالم بدن ندارند. بنابراین وجود این سلول‌های سفید خونی در بافت‌های مغزی موش‌های کوچک نشان می‌دهد سلول‌های عصبی این موش‌ها از شکل سلول‌های سالم خارج شده و بصورت سلول‌های مضر درآمده‌اند و در نتیجه می‌توانند هدف حمله دستگاه ایمنی بدن قرار بگیرند.

یافته دیگر پژوهشگران دانشگاه اوهایو این بود که اگرچه بافت‌های مغزی مورد حمله قرار می‌گیرند و حافظه کوتاه مدت آسیب جدی می‌بیند اما در مورد موش‌هایی که تحت تاثیر تنش عصبی مداوم قرار داشتند در دو فاصله 10 و 28 روزه پس از رفع عامل تنش‌زا سلول‌های عصبی تازه شروع به رشد می‌کردند. عامل رشد سلول‌های جدید استفاده از داروهایی بود که اثرات مخرب دستگاه ایمنی بر بافت مغزی را متوقف می‌کرد.

گزارش منتشر شده می‌گوید علیرغم رشد سلول‌های عصبی جدید در مغز موش‌های تحت آزمایش اثرات صدمه بافتی و از دست رفتن حافظه همچنان در آن‌ها باقی مانده بود. پژوهشگران از مطالعات آزمایشگاهی ناکامی اجتماعی تجدید شونده نتیجه گرفته‌اند که فشار و تنش عصبی باعث رها شدن سلول‌های دستگاه ایمنی از مغز استخوان می‌شود و جریان خون این سلول‌ها را به بخش‌هایی از مغز نظیر هیپوکمپ که محل ذخیره حافظه است می‌رساند. هر چه فشار عصبی گسترده‌تر و مکرر باشد تجمع سلول‌های عصبی در مغز نیز بیشتر، و صدمات ناشی از آن‌ها وسیع‌تر خواهد بود.